

تجلی قرآن در رفتار حضرت فاطمه (س)

احمد صادق اردستانی

مقدمه

سالار زنان، اسوه نیکان، صدیقه طاهره، حضرت فاطمه زهرا (س) شخصیت وارسته و ممتازی است که همه انسان های خردمند مسلمان و حتی همه دانایان همه ادیان، به عظمت و مقام والای او اذعان کرده اند.

این بانوی بزرگ، علاوه بر شخصیت ذاتی و باعنایت به این که در مهد نبوت پرورش یافته، خود نیز برای پیمودن مدارج عالی انسانی، نهایت دقت، مراقبت، کوشش و مجاهده مؤمنانه را به کار گرفته، تا از طرفی شرایط لازم بندگی خدا و از طرف دیگر، رسالت قرآنی خویش را در ارتباط با ادای مسئولیت عملی و رفتاری، در برابر جامعه ای که در آن زندگی می کند، به نحو احسن و به صورت ماندگار لباس عمل بپوشاند.

اگر بخواهیم به تحلیل زندگی این بانوی بزرگ بپردازیم، باید بگوییم: فاطمه (س) بانویی است، که در ایمان و عقیده، فکر و اندیشه، عمل به وظایف واجب و رفتار و کردار در حوزه های فردی و اجتماعی، از آبشخور قرآن کریم الهام گرفته و این الهام را در سراسر زندگانی کوتاه خویش، به منصف ظهور رسانده است.

این بحث، دامنه گسترده ای دارد و فرصت فراوانی را می طلبد، که در این مجال، نمونه هایی از «تجلی قرآن در رفتار آن حضرت» را به مطالعه می گذاریم:

۱. یاری پیامبر (ص)

پیامبر (ص) سه سال پس از دعوت پنهانی، مأمور شد در سال سوم بعثت، دعوت خویش را علنی سازد، در این باره آیه نازل شد: **فاصدع بما تؤمر و أعرض عن المشركين**. (حجر، ۹۴/۱۵)

براساس این آیه، رسول خدا (ص) دستور یافت بدون بیم و هراس از مشرکان، دعوت و تبلیغ خویش را علنی کند، در مقابل، آزار و اذیت مشرکان و مخالفان هم اوج گرفت، یکی از افراد نادان به عنوان استهزاء خاک بر سر آن حضرت ریخت و آن حضرت، در حالی که غبار آلوده شده و اشک در چشم داشت، به خانه آمد و فاطمه (س) با مشاهده آن وضع، در حالی که گریه می کرد و سر و صورت پدر را شست و شو می داد و پیامبر (ص) نیز فاطمه را دلداری می داد گفت: **دخترم! گریه مکن، خداوند پدرت را یاری و حفظ می کند**.^۱

ابن عباس می گوید:

یک روز رسول خدا (ص) کنار کعبه حضور یافت و به نماز مشغول شد، عمرو بن هشام بن مغیره مخزومی معروف به ابوجهل، که از مشرکان مخالف پیامبر (ص) بود، به یاران و اطرافیان خود گفت: **چه کسی حاضر است برود و نماز این مرد را خراب کند؟** عبدالله بن زبیری حرکت کرد و در حالی که رسول خدا (ص) به سجده رفته بود، با کمال قساوت و بی رحمی، خاکروبه و بچه دان شتری را که تازه نحر شده بود، روی آن حضرت ریخت، ولی ابوطالب، مرد مزاحم را دور کرد^۲ و آن گاه فاطمه (س) با دست های کوچک خویش، سر و صورت و لباس پدر را از آلودگی پاک نمود و با خشم و فریاد، مهاجمان را مورد نفرین و نکوهش تند قرار داد و سپس پدر را برای رفتن به خانه یاری رسانید.^۳

همچنین ابن عباس می گوید:

روزی گروهی از افراد قریش، در حجر اسماعیل (ع) جمع شدند و با بت های لات، عزری و منات پیمان بستند، تا پیامبر (ص) را هر جا مشاهده کردند به قتل برسانند. فاطمه (س) که کودکی بیش نبود، از این توطئه خطرناک اطلاع یافت، خود را با شتاب به پدر رسانید و در حالی که گریه می کرد، موضوع را با آن حضرت در میان گذاشت، پیامبر (ص) فرمود: **دخترم! آب حاضر کن تا وضو بگیرم، پس از وضو از خانه بیرون رفت و در مسجد الحرام حضور یافت، وقتی قریشیان آن**

حضرت را مشاهده کردند، گفتند: محمد(ص) همین است، ولی از شرمندگی سر خود را به زیر انداختند، نفس در سینه‌های آنان حبس شد، آن گاه پیامبر(ص) مشت شنی به سوی آنان پاشید و گفت: روی شما سیاه باد، بعد آنان پراکنده شدند و بدین ترتیب با هوشیاری و اطلاع رسانی فاطمه(س) پیامبر(ص) با تدبیری که اندیشید، از یک توطئه حساب شده، جان سالم به در برد.^۴

راستی، وقتی در ماه رمضان سال دهم بعثت، ابوطالب، عمو و یاور مجاهد پیامبر(ص) و سه روز بعد، حضرت خدیجه(س) همسر فداکار رسول خدا(ص) چشم از جهان بستند و پیامبر(ص) آن سال را «سال غم و اندوه» برای خود نامید.^۵ و می‌گفت: تا روزی که ابوطالب وفات یافت، دست قریش از آزار من کوتاه بود^۶ جز فاطمه(س) چه دختر لایقی می‌توانست برای پیامبر(ص) مایه تسلی و قوت قلب و آرام بخش کانون زندگی آن بزرگوار باشد؟

پس از هجرت

پیامبر(ص) شب اول ربیع الاول سال چهاردهم بعثت، که دشمنان در صدد به قتل رساندن او بودند، به دستور خداوند، خانه خویش را (مکه) ترک نمود، علی(ع) را به جای خود خوابانید و پس از ماندن سه روز در «غار ثور» در حالی که ابوبکر و دو نفر دیگر را همراه داشت، به مدینه هجرت کرد.^۷

آن حضرت به علی(ع) سفارش کرده بود، در مکه بماند و امانت‌های مردم را، که نزدش بود به صاحبان آنها برساند.^۸ پس از آن نامه‌ای به علی(ع) نوشت، که وی آماده خروج شود علی(ع) هم به افراد باقی مانده دستور داد: بارهای سبک همراه خود بردارند و با مراقبت شدید از کمین دشمنان مکه را ترک کنند. خود نیز با تنی چند از یاران، فاطمه(س) دختر رسول خدا(ص) فاطمه بنت اسد مادر خود و فاطمه دختر زبیر بن عبدالمطلب را به طرف مدینه حرکت داد و بعد از چند روز طی طریق با مراقبت زیاد، آنان را به سلامت به آن شهر رسانید.^۹ فاطمه زهرا(س) که با تحمل سختی‌ها و تلخی‌ها، در راه دینداری و یاری پیامبر(ص) تجربه‌هایی اندوخته بود، در هر جا زمینه‌ای پیش می‌آمد و نیازی احساس می‌شد، با کمال ایمان و شوق فراوانی حضور می‌یافت و پدر را یاری می‌رسانید و در عین داشتن سن کم، شرایط اطاعت و نصرت پیامبر(ص) را تبلور می‌بخشید.

سال سوم هجرت، به همراه برخی دیگر از زنان مانند: صفیه، دختر عبدالمطلب

عمه رسول خدا(ص) و خواهر حمزه سید الشهداء، برای آب و غذا رساندن به سپاه اسلام و مداوای مجروحان و خلاصه، یاری پیامبر(ص) در جنگ «احد» حضور یافته است. ۱۰

سهل به سعد ساعدی می گوید:

در جنگ احد وقتی دندان های پیشین پیامبر(ص) شکست و با ضربه شمشیر دشمن کلاه خود آن حضرت خورد شد و خون بدن و لباس او را فرا گرفت، علی(ع) با سپر خود آب می آورد و روی زخم های بدن پیامبر(ص) می ریخت و فاطمه(س) بدن پدر را شست و شو می داد، فاطمه(س) وقتی هم مشاهده کرد خون زخم بند نمی آید، قطعه حصیری را سوزانید و خاکستر آن را روی زخم های بدن پیامبر(ص) نهاد تا خون بند بیاید. ۱۱

پس از پایان همین جنگ بود، که علی(ع) ذوالفقار، شمشیر خون آلود خود را به فاطمه(س) داد تا خون آن را بشوید و اضافه کرد: فاطمه! این شمشیر را تحویل بگیر، زیرا که امروز با من خوش رفتاری نمود، رسول خدا(ص) ادامه داد: فاطمه جان! این شمشیر را بگیر، چون شوهرت حق خود را ادا کرد و خداوند با آن سردمداران قریش را نابود کرد. ۱۲

بابا؛ بگو

براساس شواهد تاریخی، در حالی که هنوز ادب قرآنی همه ابعاد زندگی مردم را فرا نگرفته بود، بسیاری از افراد به عادت منحط و سخیف روزگار جاهلی، به هنگام صدا زدن پیامبر(ص) آن بزرگوار را بدون توجه به مقام نبوت و رسالت، و یا تعبیر: یا محمد! یا محمد صدا می زدند، که به منظور آموزش ادب و تربیت گفتاری و محاوره ای، آیه ۶۳ سوره نور نازل شد.

امام صادق(ع) فرموده است:

وقتی آیه: لاتجعلوا دعاء الرسول بینکم کدعاء بعضکم بعضا(نور، ۶۳/۲۴)، نازل شد، یعنی خواندن پیامبر(ص) را در میان خود، مانند خواندن(و صدا زدن) بعضی از شما نسبت به بعضی دیگر تلقی نکنید، فاطمه(س) هم آن حضرت را چند بار با تعبیر: یا رسول الله(ص)! صدا زد، ولی رسول خدا(ص) جواب نداد و روی خود را به سوی فاطمه(س) برگردانید و فرمود: دخترم! فاطمه جان! این آیه درباره تو نازل نشده، بلکه درباره جفاکاران خودخواه نازل شده، و: أنت متی و أنا منک، قولی یا

أبه، فإنها أحيى للقلب و أرضى للرب؛ توازن من هستی و من از تو هستم، تو بگو:
بابا، زیرا بابا گفتن تو، دل را زنده و خدا را خشنود می گرداند. ۱۳

۲. ازدواج فاطمه (س)

قرآن کریم، ازدواج را با تعبیر: **مِيثَاقًا غَلِيظًا**. (نساء، ۲۱/۴) یعنی، پیمان محکم و استوار یاد کرده که علاوه بر قداست آن، برای تحقق این پیمان، به کارگیری مطالعه و دقت فراوان هم لازم است. چنان که حفظ این پیمان نیز مراقبت و هوشیاری زیادی می طلبد. پیامبر (ص) نیز، در مورد ازدواج حضرت فاطمه (س) با وجود این که خواستگاران متعددی داشت، به خاطر عدم سنخیت و تناسب فکری و ایمانی، این پیمان را استوار نمی یافت و در پی آن اشکالاتی احساس می کرد، بدین جهت در مرحله اول، دستور آن را آسمانی و الهی اعلام کرد و با ازدواج فاطمه (س) با آنان موافقت نکرد. ۱۴

اما به هنگام خواستگاری علی (ع) برای ارزش نهادن به کرامت انسانی زن و آزادی در انتخاب همسر و نیز الگودهی به دیگران، خطاب به فاطمه (س) فرمود: ما ترین؟ نظر تو در ارتباط با ازدواج با علی (ع) چیست؟ ۱۵ پس از این مراحل، ازدواج فاطمه (س) با علی (ع) با کمال سادگی و نهایت دقت انباشته از ایمان و صمیمیت برقرار گردید، تا همانطور که قرآن کریم فلسفه آن را «برقراری مودت و رحمت»^{۱۶} بیان داشته، این فلسفه تحقق عملی یابد و دیگران نیز این شیوه زیبا و سرنوشت ساز را معیار زندگی عاقلانه و شرافت مندانه و سعادت مندانه قرار دهند، و این معنا، در سراسر زندگی فاطمه (س) و علی (ع) در همه ابعاد، نمایش چشمگیری داشت.

۳. همسر داری زهرا (س)

در قرآن کریم، گروهی از زنان با تعبیر: **فَالصَّالِحَاتِ**، قانات، حافظات للغیب،^{۱۷} بانوان صالح و با ظرفیت معرفی شده اند که دارای دو ویژگی مهم، در حضور و غیاب همسران خویش هستند، یعنی این دسته از زنان، در برابر و حضور همسران، تواضع و فروتنی و نرمش و سازگاری دارند و در غیاب همسران نیز، حافظ اسرار و شئون و حقوق مادی و معنوی شوهر می باشند.

طبیعی است که در پرتو این صلاحیت‌ها و شایستگی‌ها، که دو محور کلی آن مطرح گردید، ده‌ها خصلت‌های اخلاقی و حقوقی مثبت و موفقیت‌پرور، و آرامش در زندگی ناشی می‌گردد، که فاطمه (س) دارای همه آنها بود و می‌کوشید با وجود کمبودها و تنگناهای سخت زندگی آن روز، به هیچ وجه وسیله رنجش و آزدگی علی (ع) را فراهم نیاورد و حتی خواسته کوچکی هم، که همسر را در مضیقه قرار دهد نداشته باشد، که نمونه‌هایی از آن در تاریخ آمده است.

آری، پرهیز از زرق و برق‌ها و حتی صرف نظر کردن از برخی ضروریات زندگی به خصوص در آن شرایط، فاطمه (س) را در افق بلندی از شخصیت و هویت انسانی قرار داده بود، که حتی بر حسب گواهی تاریخ، روزی علی (ع) از فاطمه (س) درخواست می‌کند، آن بانو چیزی از وی بخواهد و پس از اصرار و سوگند، فاطمه (س) بیمار می‌گوید: اگر اناری باشد به آن میل دارم، که علی (ع) برای تهیه آن از خانه بیرون می‌رود تا آن را فراهم آورد... ۱۸ اما به هر حال سراسر زندگی فاطمه (س) و علی (ع) صفا و یک‌رنگی، صداقت و درستی، مهر و محبت و بلکه در سختی‌ها و مصائب مختلف سخت، با فداکاری و از خودگذشتگی فوق العاده انباشته است و نور ایمان کانون خانواده آنان، به همه جا پرتو افشانی می‌کند.

۴. عبادت و شب زنده‌داری

اگر دامنه عبادت را به وظایفی که با انگیزه الهی و نتیجه خدمت‌رسانی به جامعه صورت می‌گیرد، تعمیم دهیم، حضرت فاطمه (س) در این قلمرو نیز با استفاده از ایده‌های قرآنی نمونه کاملی بوده است، اما اگر عبادت به معنای خاص آن، به خصوص خالصانه‌ترین و مؤمنانه‌ترین آن را، در قالب نماز و نیایش و شب زنده‌داری، در نظر بگیریم، آن بانوی بزرگ به متابعت از پدر، ید طولای و شیفتگی خاصی داشته است.

قرآن کریم، چنین عبادتی را نشانه خردمندی و عقلانیت معرفی کرده و داستانی از آن را این گونه به تصویر می‌کشد: **الذین یذکرون الله قیاماً و قعوداً و علی جنودهم و یتفکرون فی خلق السموات و الارض... (آل عمران، ۳/۱۹۱)**؛ خردمندان و اولوالالباب کسانی هستند که در حال ایستاده و نشسته و بر پهلو خفته، در همه حالات خدا را یاد، و نیایش می‌کنند و در اسرار آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند.

در تفسیر این آیه، عطاء بن ابی ریح روایت کرده:

روزی نزد عایشه همسر پیامبر (ص) رفتم و از او خواستم شگفت‌انگیزترین چیزی را که در طی عمر خود از پیغمبر (ص) را مشاهده کرده بیان کند، وی سراسر کارهای پیامبر (ص) را عجیب توصیف نمود و دربارهٔ عجیب‌ترین آنها گفت: شبی از شب‌ها که پیامبر (ص) در منزل من بود به استراحت می‌پرداخت، هنوز آرام نگرفته بود، که برخاست و لباس پوشید و وضو گرفت و به نماز ایستاد و آن قدر در حال نماز و راز و نیاز با خدا اشک ریخت که جلو لباسش از اشک چشمش خیس شد، سپس سر به سجده گذاشت و آن قدر گریه کرد، که زمین از اشک چشم او خیس شد و این اشک و ناله تا طلوع صبح ادامه داشت، تا این که بلال مؤذن او را به نماز صبح فراخواند، اما وی مشاهده کرد آن حضرت گریان است، گفت: شما که مشمول عنایت خدا هستید، این همه گریه برای چیست؟

پیامبر (ص) فرمود: افلا اکون لله عبداً شکوراً؟ آیا نباید بندهٔ شکرگزار خدا باشم؟ چرا گریه نکنم؟ خداوند در شبی که گذشت، آیات تکان دهنده‌ای نازل کرد، سپس به خواندن پنج آیه آخر سوره آل عمران پرداخت و ادامه داد: وای به حال کسی که این آیات را بخواند و در آنها نیندیشد. ۱۹

فاطمه (س) از این حالات مطلع می‌شد و بارها اتفاق می‌افتاد، که وقتی پیامبر (ص) علی (ع) و حسن و حسین (ص)، سلمان فارسی، عمار یاسر و گاهی دیگران برای دیدار یا انجام کاری وارد می‌شدند، علاوه بر عبادت به معنای عام، او را در مصلاً و محراب عبادتی که برای خود ترتیب داده بود می‌دیدند. ۲۰

حسن بصری (که یکی از زهاد هشتگانه بود، ۱۱۲ هـ) ۲۱ گفته است:

ما کان فی هذه الامة أعبد من فاطمة (س) کانت تقوم حتی تورم قدماه. ۲۲
در میان این امت، عابدتر از فاطمه (س) وجود نداشت، آن قدر به عبادت می‌ایستاد، که پاهای وی ورم کرده بود.

در بیانی وارد شده که خداوند به فرشتگان فرموده: بندهٔ من فاطمه را مشاهده کنید، چگونه در برابر من ایستاده که از خوف من بندهایش می‌لرزد و با قلب و روح خود به عبادت من می‌پردازد.... ۲۳

۵. دیگرخواهی و ایثار

تواصی به حق، که از ارکان سعادت انسان و جامعه است و مورد سفارش قرآن کریم قرار گرفته^{۲۴} خصلتی است که از ایمان و درون پاک خیرخواهانه نشأت می‌گیرد و با پیمودن سیر مراحل تکاملی، به مرحله ایثار و تقدّم دیگران بر خویشتن، انسان را در مقام بلند و درخشانی قرار می‌دهد.

تجلی این دو خصلت متعالی را در موارد مختلف زندگی حضرت فاطمه (س) بارها می‌توان یافت، که به سه نمونه اشاره می‌شود:

۱. امام حسین (ع) از برادر خود امام حسن (ع) روایت می‌کند که شب جمعه‌ای مادرم فاطمه (س) را مشاهده کردم، که در محراب عبادت خویش در حال نماز پیوسته رکوع و سجود انجام می‌داد تا سفیده صبح طلوع کرد، من می‌شنیدم، که وی برای مردان و زنان با ایمان، زیاد دعا می‌کرد و هرگز برای خویش دعایی نکرد! گفتم: مادر جان! من هر چه گوش دادم برای دیگران دعا می‌کردی، چرا برای خود دعا نکردی، فرمود: همسایه حق تقدّم دارد! الجار ثم الذار. ۲۵

۲. در سرگذشت دیگری، که نتیجه روح دیگرخواهی و بلکه ایثار فاطمه (س) است، علاوه بر دعا جهت خیر و سعادت افراد، رفتار ایثارگرانه آموزنده‌ای مشاهده می‌کنیم. ابن جوزی روایت کرده:

رسول خدا (ص) برای شب عروسی فاطمه (س) که پیراهن او کهنه و وصله دار بود، پیراهن نوی خریداری کرده بود، در آن شب فقیر تهی دستی به خانه فاطمه (س) مراجعه کرد و ناله سر داد: که من از اهل بیت نبوت، پیراهن کهنه‌ای می‌خواهم، فاطمه (س) تصمیم گرفت پیراهن کهنه خود را به او بدهد، ناگاه به فکر آیه قرآن افتاد که می‌فرماید: لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ. (آل عمران، ۹۲/۳) بدین جهت، در شب زفاف پیراهن نو شب عروسی خود را به فقیر داد. ۲۶

۳. زمخشری، در تفسیر «الکشاف» از ابن عباس روایت کرد:

وقتی حسن و حسین (ع) بیمار شدند، پیامبر (ص) با گروهی از یاران به عیادت آنان رفتند، وقتی علی (ع) را در کنار آنان دیدند گفتند: اگر برای دو فرزندت نذری کنی آنان شفا می‌یابند، آن‌گاه علی (ع)، پیامبر (ص)، فاطمه (س) و فضه خدمتگزار، نذر

کردند اگر حسن و حسین (ع) بهبودی یابند، آنان سه روز، روزه بگیرند، آن دو بهبودی یافتند و آنان روزه گرفتند، اما صبح روز اول فاطمه (س) متوجه شد برای افطار غذایی در خانه نیست، ناچار علی (ع) سه کیلو جو قرض گرفت، فاطمه (س) با دستاس آن را آرد کرد و برای روز اول با آن آرد جو، پنج عدد نان پخت و آماده افطار شدند، که نیازمندی مراجعه کرد و غذا درخواست نمود، ناچار همه نان خویش را به او دادند و خود با آب افطار کردند، دو روز دیگر نیز بدین ترتیب گذشت و آنان با دادن غذای خویش به یتیم و اسیری که تازه آزاد شده بود، خود با آب افطار کردند و دیگران را بر خویش مقدم داشتند.

آری به قول زمخسری نیز، بدین مناسبت سوره هل اتی نازل شد و آنان را ابرار نامید، که در بهشت دارای مقام عالی هستند، چه این که با ایشار و مقدم داشتن گرسنگان بر خویشان و با وجود نیاز، به هنگام ادای نذر، به خاطر خدا غذای خود را به مسکین و یتیم و اسیر داده بودند. ۲۷

۶. آموزش دیگران

قرآن کریم، با بیان: **ويعلمهم الكتاب...** (بقره، ۱۲۹/۲) پیامبر (ص) به آموزش کتاب و حکمت و معارف دین مأمور می کند. امام صادق (ع) فرموده:

حضرت فاطمه (س) به حضور رسول خدا (ص) رسید و برخی مشکلات و سؤالات خود را با آن حضرت در میان گذاشت، رسول خدا (ص) جزوه ای به آن بانو داد و فرمود: **تعلمی ما فیها، آن چه در این جزوه آمده بیاموز، در آن جا آمده بود: من کان یؤمن بالله و الیوم الآخر، فلا یؤذی جاره...؟ هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد، همسایه خود را آزار نمی رساند، هر کس به خدا و قیامت ایمان دارد، میهمان خویش را گرامی می دارد، هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد، یا سخن حق می گوید یا ساکت می ماند.** ۲۸

بر اساس این آموزه نیز، فاطمه (س) خود را موظف می دید در هر فرصت مناسب خود را آموزگار دیگران بدانند و معارف دین را به آنان آموزش دهد یا پاسخ گوی مردان و زنان باشد، که یکی از موارد آن چنین است:

امام حسن عسکری (ع) روایت کرده است :

زنی به حضور فاطمه زهرا (س) رسید و عرض کرد، مادری دارم که علیل و ناتوان است و درباره نماز خود با اشکالاتی مواجه می شود، مرا نزد شما فرستاده تا مشکلات و سؤالات او را با شما در میان گذارم، فاطمه (س) به سؤال اول زن پاسخ داد، زن پرسش دیگری مطرح کرد و جواب شنید تا این که سؤالات زن به ده سؤال رسید و فاطمه (س) با حوصله، جواب های هر یک را بیان کرد، ولی آن زن به خاطر سؤالات متعدد و خسته کننده شرمنده شد و گفت: بیشتر زحمت نمی دهم! اما فاطمه (س) فرمود: نگران نباش و هر سؤالی داری مطرح کن، زیرا من به خاطر جواب دادن هر سؤال پاداش خواهم داشت، اگر کسی در مدت یک روز بار سنگینی را به بالای پشت بام خانه یا ساختمانی ببرد و در مقابل آن حق الزحمه معادل هزار دینار دریافت کند، آیا تحمل این زحمت برای او نگرانی دارد؟ زن عرض کرد: نه. فاطمه (س) فرمود: من هم به خاطر هر جوابی که به تو می دهم، از سوی خداوند پاداش خواهم داشت. بنابراین؛ نگران نباش، این از آموزش های پدرم رسول خدا (ص) است، که دانشمندان پیرو مکتب ما، روز قیامت به میزان دانش و علمی که در جهت ارشاد مردم به کار گرفته اند، محشور می شوند و دارای مقام بلند خواهد بود و به آنان خطاب می شود، ای کسانی که سرپرستی یتیمان آل محمد (ص) را به عهده گرفته اید و پدران روحانی و رهبران دینی بوده اید، پاداش بزرگ خود را دریافت دارید.

سپس فاطمه (س) ادامه داد: ای زن! خداوند بر چنین عالمانی لباس های فاخری می پوشاند، که هر تار و پود آن از تمام پدیده هایی که آفتاب بر آن می تابد، یک میلیون بار با ارزش تر است، زیرا همه پدیده های عالم، دستخوش تیرگی و کدورت هستند، جز علم و دانش، که تأثیر آن ماندگار است. ۲۹

باری، احادیث و معارف زیادی به منظور یک سلسله آموزش های رفتاری وارد شده، ولی متأسفانه برخی احادیث آن بزرگوار را بیش از ۱۸ مورد ندانسته اند. ۳۰ در حالی که محقق ارجمند مرحوم شیخ احمد رحمانی همدانی، ۸۳ مورد از احادیث حضرت زهرا (س) جمع آوری نموده ۳۱ و ۲۹ مورد آن را این جانب در کتاب «فاطمه، الگوی زن مسلمان» که

با موضوع کتاب تناسب داشته با ترجمه و اندکی شرح آورده ام. ۳۲

۷. تعلیم و تربیت فرزندان

قرآن کریم، به همه اهل ایمان دستور می دهد، خویشان و اعضای خانواده خود را، از آتش دوزخ (حفظ کنند) و نگه دارند: یا ایها الذین آمنوا قوا انفسکم و اهلکم ناراً. (تحریم، ۶/۶۶)

نگه داشتن خویشان، به ترک گناه و لغزش ها و پرهیز از پیروی تمایلات نفسانی است و نگه داشتن اعضای خانواده، به تعلیم و تربیت، امر به معروف و نهی از منکر و پیشگیری از لغزش ها و آلودگی می باشد.

این جهات، وظیفه اجتناب ناپذیر هر فرد مسلمان است و بر اساس این آموزه، فاطمه زهرا(س) که در بستر وحی پرورش یافته و رسالتی فوق العاده احساس می کند، تعلیم و تربیت همه جانبه را با جدیت نسبت به فرزندان خویش به کار می گیرد.

فاطمه(س) برای دست یابی به این هدف مهم تعلیم و تربیتی، از گفتن اذان و اقامه با سرودن نغمه توحید در گوش حسن و حسین(ع) و نیز انتخاب نام زیبا و پرمعنا برای آنان با درخواست از پیامبر(ص) آموزش آنان را آغاز می کند. ۳۳ حضرت حسن(ع) را از کودکی برای یادگیری به مسجد می فرستاد تا پیام پیامبر(ص) را دریافت کند. ۳۴ تفریح و بازی کودکانه با آنان برقرار می سازد. ۳۵ مسابقه خطاطی و کشتی گیری صورت می دهد. ۳۶ به حضور و غیاب آنان توجه جدی می نماید. ۳۷ در غذا و لباس، محبت و عدالت به کار می گیرد. ۳۸ و بالاخره با روز خوابان کودکان و غذای کم به آنان دادن، برای بیدار ماندن و عبادت در شب قدر ۳۹ شیوه های مختلف و متنوع تعلیماتی و تربیتی را معمول می دارد.

۸. کار، در خانه

تلاش و کار و فعالیت و به کارگیری نیروها و انرژی ها، جوهر حیاتی زندگی انسان هاست و عضو عاطل و باطل، اصولاً در نظام خلقت وجود ندارد. قرآن کریم با صراحت می فرماید: لیس للإنسان إلا ما سعی. (نجم، ۳۹/۵۳) برای انسان، جز آن چه تلاش می کند، محصول دیگری نیست.

و نیز قرآن دستور می دهد: **فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَب**. (انشراح، ۷/۹۴)
هر گاه از کار مهمی فارغ شدی، به کار مهم دیگری اقدام کن. همه پیامبران و امامان^(ع)
و همه پیشوایان دینی، کار و تلاش و فعالیت جدی داشتند و لحظه‌ای از کوشش و تلاش
غفلت نمی کردند.

حضرت فاطمه^(س) نیز کار و تلاش زیادی انجام می داد. در اوایل ازدواج با علی^(ع)
به حضور پیامبر^(ص) رسیدند و آن حضرت کارهای داخل خانه را به فاطمه^(س) سپرد و
کارهای بیرون را به علی^(ع) واگذار نمود و فاطمه^(س) بارها از این تقسیم کار، اظهار خشنودی
و رضایت می کرد.^{۴۰}

علی^(ع) به مردی از «بنی سعد» می گوید: می خواهی داستانی از زندگی خود و
فاطمه^(س) را برای تو بازگو کنم؟ فاطمه^(س) محبوب‌ترین کس نزد رسول خدا^(ص) بود، او
در خانه من آن قدر با مشک آب کشید، که بند مشک در سینه او جای گذاشت و آن قدر
دستاس (آسیاب) کرد، که کف دست او پینه بست و آن قدر خانه را جاروب نمود، که
لباس او رنگ خاک گرفت و آن قدر برای غذا پختن آتش زیر دیگ افروخت که لباس او
سیاه و چرکین می شد.^{۴۱}

فاطمه^(س) برای گرفتن خدمتگزار به حضور پیامبر^(ص) رفت، ولی با توجه به این که هنوز
مهاجران آواره‌ای در «صقه مسجد» زندگی می کردند، آن حضرت دادن خدمتگزار به فاطمه^(س)
را روا نداشت، بلکه به منظور تقویت روحیه و برکت معنوی در زندگی، ۳۴ تسبیح، ۳۳ بار
تحمید و ۳۳ مرتبه تکبیر را به فاطمه آموخت، تا از اعطای خدمتگزار بهتر باشد.^{۴۲}

جابر بن عبدالله انصاری نیز روایت کرده:

پیامبر^(ص) فاطمه^(س) را دید، که پیراهنی بسیار خشن و کم ارزش پوشیده، با یک دست
آسیاب می کند و در همان حال فرزند خود را شیر می دهد، آن حضرت در حالی که
اشک می ریخت فرمود: دخترم! سختی‌های این دنیا را تحمل کن تا به شیرینی و
حلاوت‌های آخرت دست یابی، فاطمه^(س) حمد نعمت‌های الهی را به جای آورد و
به همین مناسبت، آیه بر پیامبر^(ص) نازل شد: **و لسوف يعطيك ربك فترضى**.
(ضحی، ۵/۹۳) پروردگارتو، آن قدر به تو عطا خواهد کرد، که خشنود شوی.^{۴۳}

۹. دفاع از امامت

سه سال بعد از بعثت و تبلیغ پنهانی، وقتی آیه: و انذر عشیرتک الاقربین (شعراء، ۲۶/ ۲۱۴) نازل شد تا پیامبر (ص) قوم و خویشان نزدیک خویش را آشکارا به اسلام دعوت نماید، آن حضرت به علی (ع) دستور داد، آنان را که چهل نفر بودند، با بختن ران گوسفندی که برکت یافت، با غذا پذیرایی کند، آن گاه در میان آنان خطابه‌ای که با دعوت به توحید شروع می‌شد ایراد کرد و اعلام داشت: امرنی الله تعالی أن أدعوكم الیه، فأیکم یؤازرنی علی هذا الأمر، آن یکون أخی، و وصیتی و خلیفتی فیکم؟ اما جز علی (ع) که از همه کم سن و سال‌تر بود، کسی این دعوت را نپذیرفت. ۴۴

فاطمه کوچک ناظر این صحنه بود و محتوای آیه قرآن و رسالت پدر و موضوع جانشینی بعد از آن حضرت را می‌شنید. بدین جهت، به منظور متابعت پیامبر (ص) همه افکار و اعمال خویش را تنظیم نمود و در این راه چنان که مطالعه کردیم، انواع سختی‌ها و تلخی‌ها را به جان خرید، اما مهم‌ترین رفتار مؤمنانه، شجاعانه و مجاهدانه آن بانوی بزرگ را در دفاع از مقام والای امامت علی (ع) همسرش که جانشین به حق پیامبر (ص) بود می‌توان دانست، که سه نمونه حساس آن را اشاره می‌کنیم:

۱. پس از وفات رسول خدا (ص) که مجرای خلافت و امامت عوض شد، فاطمه (س) سوار بر مرکب و علی (ع) نیز در حالی که دست حسن و حسین (ع) را به دست گرفته بود. ۴۵ شبانه در خانه‌های انصار رفتند و برای امامت علی (ع) یاری جستند، ولی متأسفانه، آنان با پاسخ: ای دختر رسول خدا (ص) شما دیر آمدید و ما قبلاً بیعت کرده‌ایم! اگر علی (ع) همسر تو زودتر می‌آمد با او بیعت می‌کردیم، حاضر به یاری نشدند و فاطمه (س) با ناراحتی فرمود: علی (ع) وظیفه خود را انجام داد، مردم هم کاری کردند، که پاداش آن را همان چیز داد. ۴۶

۲. محمود بن لبید می‌گوید:

فاطمه (س) پس از وفات رسول خدا (ص) پیوسته کنار مزار شهدای احد و به خصوص حمزه سید الشهداء می‌رفت و به گریه و سوگواری می‌پرداخت، یکی از آن روزها نزد آن بانو رفتم، او را تسلی و دل‌داری دادم و سؤال کردم: آیا رسول خدا (ص) قبل از وفات خویش درباره امامت علی (ع) به طور خصوصی یا صریح چیزی گفته بود؟! فاطمه (س) فرمود: من از تو تعجب می‌کنم، مگر داستان غدیر خم را فراموش

کرده‌ای؟ علاوه بر این، از پدرم شنیدم که می‌فرمود: علی (ع) بهترین جانشین من است، و باید بدانیم، که آن حضرت فرمود: حکایت علی (ع) حکایت کعبه است، که مردم باید سراغ آن بروند، نه این که کعبه دنبال مردم حرکت کند. ۴۷

۳. حساس‌ترین و مهم‌ترین رفتار حضرت زهرا (س) به منظور دفاع از امامت علی (ع) و بلکه کیان اسلام ناب، خطابه معروفی است، که آن حضرت آن را پس از وفات رسول خدا (ص) در مسجد مدینه خطاب به همه مهاجران و انصار ایراد فرمودند، که احمد بن ابی طاهر (۳۸۰ هـ) معروف به ابن طیفور، و دیگران آن را روایت کرده‌اند و محتوای این خطابه را فاطمه (س) با دانش و معرفتی که از پیامبر (ص) آموخته، بر اساس معارف توحیدی، تبیین موضوع مهم نبوت، معرفی قرآن، فلسفه احکام، زحمات و خدمات رسول خدا (ص) برای نجات امت از نکتب جاهلیت و نیز موقعیت همسرش علی (ع) را در نظر پیامبر (ص) معرفی می‌کند و به نکوهش غاصبان و یاران سست عنصر می‌پردازد، تا بلکه به راه حق آیند و از وادی انحراف و هلاکت رهایی یابند. ۴۸. اما...

۱. تاریخ الامم والملوک، ۲/۲۲۹.
۲. تاریخ یعقوبی، ۲/۲۵.
۳. بحارالانوار، ۱۸/۱۸۸.
۴. همان، ۱۸/۶۰.
۵. اسدالغابة، ۵/۴۳۹؛ بحارالانوار، ۱۹/۱۷ و ۲۵.
۶. تاریخ یعقوبی، ۲/۳۵؛ تاریخ پیامبر اسلام/۱۶۸.
۷. السيرة النبوية، ۲/۱۲۹؛ تاریخ یعقوبی، ۲/۳۹؛ تاریخ پیامبر اسلام/۲۱۴-۲۱۷.
۸. همان.
۹. بحارالانوار، ۱۹/۶۵-۶۶.
۱۰. فاطمة الزهراء من المهد الى اللحد/۱۰۴.
۱۱. بحارالانوار، ۲۰/۳۱.
۱۲. همان، ۲۰/۸۸؛ فاطمه من المهد الى اللحد/۱۰۶.
۱۳. تفسیر نور الثقلین، ۳/۶۲۹؛ بحارالانوار، ۴۳/۳۳.
۱۴. کافی، ۵/۳۲۸؛ من لایحضره الفقیه، ۳/۲۴۹؛ بحارالانوار، ۴۳/۹۳.
۱۵. بحارالانوار، ۴۳/۹۳؛ فاطمه من المهد الى اللحد/۱۱۴-۱۱۹.
۱۶. سوره روم، آیه ۲۱.

- ١٧ . سورة نساء، آية ٣٤ .
- ١٨ . رباحين الشريعة، ١/١٤٣ .
- ١٩ . تفسير منتهج الصادقين، ٢/٤١٠ .
- ٢٠ . فاطمة من المهدي الى اللحد/١٧٢-١٧٣ .
- ٢١ . الكنى و الالقب، ٢/٧٦؛ فرهنك عميد- تاريخ جغرافيا/٣٧٥ .
- ٢٢ . بحارالانوار، ٤٣/٨٤ .
- ٢٣ . فاطمة من المهدي الى اللحد/١٧٣ .
- ٢٤ . تواصوا بالحق... سورة والعصر، آية ٣ .
- ٢٥ . علل الشرايع، ١/١٨٢؛ بحارالانوار، ٤٣/٨٢ .
- ٢٦ . نزهة المجالس، ٢/٢٢٦؛ فاطمة من المهدي الى اللحد/١٢٧ .
- ٢٧ . الغدير، ٣/١١١؛ احقاق الحق، ٣/١٧١؛ فاطمة من المهدي الى اللحد/١٦٤ .
- ٢٨ . كافي، ٢/٦٦٧؛ فاطمة من المهدي الى اللحد/١٩٠ .
- ٢٩ . منية المرید/٣٢؛ بحارالانوار، ٢/٣ .
- ٣٠ . الثغور الباسمه/٥٢ .
- ٣١ . فاطمة الزهراء(س)؛ بهجة قلب المصطفى/٢٦٥-٣٠٨ .
- ٣٢ . فاطمة؛ الكوى زن مسلمان/١٣٩-١٥٩ .
- ٣٣ . بحارالانوار، ٤٣/٢٣٨-٢٤٠ .
- ٣٤ . همان .
- ٣٥ . همان، ٤٣/٢٨٦ .
- ٣٦ . همان/٢٨٦ و ٣٠٩ .
- ٣٧ . همان/٣١٦ .
- ٣٨ . همان/٢٨٣ .
- ٣٩ . همان، ٩٤/١٠ .
- ٤٠ . قرب الاسناد/٥٥، ح ١٦٠؛ بحارالانوار، ٤٣/٨١ .
- ٤١ . مسند احمد بن حنبل، ٢/٣٢٩؛ بحارالانوار، ٤٣/٨٢ .
- ٤٢ . الثغور الباسمه/٢٢؛ بحارالانوار، ٤٣/٨٣ و ٨٩ .
- ٤٣ . مجمع البيان، ٥/٥٠٥؛ بحارالانوار، ٤٣/٨٦ .
- ٤٤ . تاريخ الامم والملوك، ٢/٢١٧؛ الارشاد، مفيد/٢٩ .
- ٤٥ . شرح نهج البلاغه ابن ابى الحديد، ٢/٤٧ .
- ٤٦ . الامامة والسياسة، ١/١٢؛ بحارالانوار، ٢٨/٣٥٥ .
- ٤٧ . اسد الغابه، ٤/٣١؛ فضائل الخمسه، ١/١٧٦ .
- ٤٨ . بلاغات النساء/١٢-١٤؛ شرح حديد، ١٦/٢١٦-٢١٧؛ الاحتجاج، طبرسي، ١/١٤١-١٣١؛ بحارالانوار، ٢٩/٢٢٠-٢٣٠ .